

شنبه بیست و سوم مهرماه ۱۴۰۱ نشست دوم سال دوم

فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی

ضمان جانی یا پزشک نسبت به صدمات وارده بر مصدوم برای معالجه و درمان

(پرونده ششم)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا

و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

گاهی اوقات برخی پرونده ها کلان پروژه ای هستند برای مقاله و رساله و پایان نامه هایی که باید ارائه شود و این

نکته ارزشمندی است که باید همواره یک دانش پژوه مد نظر داشته باشد.

حدود ضمان جانی تا کجاست؟

ما مساله را از این جا شروع کردیم که پزشک گاه در راستای معالجاتی که می خواهد انجام دهد، باید یک ضریه ها و

صدماتی را بر مصدوم وارد کند و فرض کنید از قبل توسط جانی صدمه دیده است؛ جانی صدمه اش را زده است و

ارش و دپه را هم داده است حال مجنی علیه باید مداوا شود و پزشک باید صدماتی وارد کند؛ قسمتی از مجمه را

بشکافد یا قفسه سینه را... این صدمات را سببش همان جانی است که اگر این کارها را نکرده بود این مسائل پیش

نمی آمد. سوال این است که آیا این جا ضمان هست نسبت به این صدمات یا ضمان نیست؟

اگر هست، جانی باید بپردازد یا پزشک؟

ارزش این بحث به خاطر بحث تسبیب است؛ تا جایی که یک فقیه سترگی مثل نایینی می فرماید: ما اگر ملتزم به

قانون تسبیب شویم فقه دیگری پیدا خواهد شد برای کسانی که ضمان به تسبیب را دنبال می کنند.

در بحث های مدنی می گویند ضمان علی الید ضمان اتلاف و ضمان به تسبیب در بحثهای فقه جزا جنایت که انجام

شود به مباشرت یا تسبیب این بحثها پیش می آید.

نظر آیت الله مکارم و جانی همچنان ضامن در پرداخت خسارات

هفته گذشته که ما نظرات را بررسی می کردیم، یک نفر را پیدا کردیم که قائل به ضمان شده بود؛ جناب آقای مکارم طبق فتوایی که دوستان ما در قوه قضاییه آوردند و ایشان گفته بود ضمان هست اما متوجه پزشکی نیست و متوجه جانی است.

جانی در مقابل جراحی که برای بیرون آوردن گلوله حاصل می شود ضمان است و اگر هزینه درمان بیش از دیه باشد باید اضافه را نیز پردازد.

دو مطلب شد؛ یکی ضمان نسبت به خسارات مازاد بر دیه که مورد بحث ما نیست

و دیگر صدمه ای که به مصدوم وارد می شود برای درمان که این جا طبق نظر آیت الله مکارم جانی ضمان است نه پزشک ..

اگر بخواهید بدانید د رکشور چه می گذرد؛ در نشست قضایی استان لرستان همین بحث بوده است و پرونده هم متعلق به همان استان بوده و نتیجه بحث ها هم این بوده :

خروجی آراء قضات آن استان در این پرونده :

دیه این نوع جراحی (جراحی توسط پزشک در راستای مداوا) از جانی قابل وصول نمی باشد. زیرا رابطه سببیت بین جنایت حاصله و فعل جانی وجود ندارد؛

(با نظر اکثر فقها یکی است) استدلال را نگاه کنید که ما با آن کار داریم.

در پزشکی به این کار پزشک ، جنایت گفته نمی شود اما در فقه و حقوق می گویند.

و چون این رابطه نیست، بنابراین ربطی به جانی ندارد

نظر دیوان عالی کشور در خصوص حیطة ضمان جانی

دیوان عالی کشور برای وحدت رویه قضات ، آن ها همین نظر را داند قوه قضاییه اداره ای دارد اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی این سوال را که از او کرده اند: گفته است: یا تذکر این نکته که خسارات جراحی ناشی از عمل جراحی فی نفسه قابل مطالبه نیست؛ البته با توجه به مقررات ماده یک و دو و سه قانون مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر، قاعده تسبیب، اتلاف ، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که مازاد بر دیه و ارش باشد از قبیل هزینه های درمانی فاقد منع قانونی است.

میگوید غیر از ارش و دیه که شارع قرار داده است اگر مازاد برارش و دیه هزینه های شود، مثلا پنجاه میلیون دیه گرفته ولی مخارج درمانش شد ۶۰ میلیون و جالب این است که برخی معتقدند کل ۶۰ میلیون را می تواند بگیرد و ربطی به دیه ندارد و برخی می گویند مازاد بر دیه را بگیرد این را اداره حقوقی قبول می کند... می گوید فقط دیه و ارش نه... اگر درمان هزینه دارد بگیرد....

ولی پزشک اگر می خواهد مداوا کند و صدماتی را باید وارد کند ، این ها را دیگر جانی ضامن نیست.

در بحث ضمان جانی در همین فرض دو مانع این جا هست؛ مانع اول یک قانون است؛ و آن قانون این است: سبب وقتی ضامن است که فاعل مختار مباشر واسطه نباشد... اما اگر بین سبب جنایت و پدیده فاعل مختار مباشر بود، او ضامن است . و رابطه را بین پدیده و سبب قطع میکند .

لو اجتمع السبب و المباشر فالضمان علی المباشر ...

البته توجه دارید که برخی وقتها، مباشر نسبت به سبب ضعیف است. مثل این که حیوان واسطه باشد . این جا پزشک واسطه است و این جا پزشک هست که دارد صدمات را برای درمان وارد می کند و جانی از او خبری نیست یا مرده یا در خانه است و ما کار به او نداریم. آقای صدر شاید عبارتش از همه بهتر است ایشان می گوید :

نظر آقای صدر در خصوص ضمان

الضمان بالتسبیب انما یسقط اذا ادّت التسبیب الی صدق اسناد الاتلاف الی المسبب می گوید وقتی رابطه اسناد به سبب قطع نشود.

الان در مثال ما صدمه را به پزشک نسبت میدهند ؛ نه به سبب... بعد می گوید: به شرطی که اراده فاعل مختار واسطه نشود یا واسطه نباشد یا واسطه کالعدم باشد . مثل جایی که شخص مثلا تفنگ را دست بچه می دهد این ها سبب ضامن است ولی اگر فاعل مختار مباشر با شعور و با آگاهی واسطه شود این رابطه قطع می شود.

در ما نحن فیه جانی به عنوان سبب ضامن بود اگر واسطه مختار با اراده نبود لکن اینجا واسطه هست پس جانی ضامن نیست؛ اگر منطق را آشنا باشید ، این همان قیاس استثنایی رفع تالی می شود که نتیجه می دهد رفع مقدم را

....

اگر کسی آمپولی به کسی داد و گفت برو و تزریقات را انجام بده ؛ آمپول هوا هست حکومت آمپول را به پزشک احمدی می دهد و می گوید برو این کار را انجام بده ؛ سبب ، حکومت است ولی مباشر فلان پزشک از خدا بیخبر است... قصاص بخواهند بکنند، این را باید قصاص کنند و دیه را این شخص باید بدهد

این جا فعل پزشک برای درمان یک فعل مباح است اگر نگوییم که واجب است؛ البته اگر فرد را عمل نکنند و او بمیرد این عمل جراحی به نوعی واجب هم هست... فعل جایز است و جواز آن برای کافی است و فعل واجب، ضامن و دیه و ارش ندارد. که بعد دنبال کسی بگردیم و بگوییم چه کسی باید این ها را پردازد.

در پرونده سوم گفتیم اگر مریض اجازه بدهد یا ولی مریض..دیگر پزشک هم ضامن نیست؛ و الا اگر باید پزشک خساراتی را وارد کند و صماتی را که در این حالت ضامن نیست؛ و طبعا جانی هم نیست.

و لذا گفته اند ضامن جانی دو مانع دارد ؛

۱. اول این که فاعل مباشر واسطه شده است

۲. جنس کار ضامن بردار نیست؛

این را هم باید اضافه کنیم که کار با اجازه خود مریض دارد انجام می شود. فقه ما سند محور است نه ملاک و مناط محور... آن چه در فقه جواب میدهد ، ادله است. مثلا در روایت ظریف آمده است: اگر کسی دست یک نفر را قطع کند باید نصف دیه کامل را بدهد ؛ ممکن است ما فلسفه برخی موارد را نفهمیم یا نفهمیم؛ این که اجرای حدود، فلسفه آن ها چیست این ها از مواردی است که همه زوایای آن برای ما واضح نیست. فقیه با اسناد کار دارد نه با مبانی... هر چند گاه فهم ملاک و مناط بی تاثیر در فهم احکام نیست...

اگر بتوان این دو مانع را زد ممکن است قائل به ضامن شویم ؛ باید روی این مسائل کار شود و جای کار هم دارد .